

عنوان مقاله:

رابطه کنش و روایت در تفکر هیدگر

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه، دوره 47، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

سیده اکرم برکاتی - دانشجوی دکترای فلسفه دانشگاه اصفهان

یوسف شاقول - دانشیار فلسفه دانشگاه اصفهان

محمدجواد صافیان - دانشیار فلسفه دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

مفهوم کنش در اندیشه هیدگر با فهم و طرح افکنی امکان ها مرتبط است. طرح هایی که دازاین (چونان آنجای وجود) پیش می افکند، تداعی گر طرح (plot) در روایت هستند. گرچه روایت از اصطلاحات هیدگری نیست، برخی مفسران براساس مفاهیم تاریخمندی و زمانمندی دازاین، برداشت روایت گرایانه ای از اندیشه وی داشته اند. در این نوشتار بر تفسیری متمایز که مدعی روایتمندی بنیادین دازاین است، متمرکز می شویم و ارتباط آن با کنش را بررسی می نماییم. فرضیه اصلی ما این است که میان کنشمندی و روایتمندی دازاین، وابستگی متقابل و دوری هرمنوتیکی وجود دارد و هردو به جهت مساوقت با فهم و طرح افکنی، در بنیاد و ساختار آگزیستانسیال دازاین هم سرچشمه اند. هدف این بحث این است که نشان دهیم چگونه نحوه روایت و تفسیر ما از زندگی و فهم خویش، می تواند تعیین کننده نوع کنش های ما باشد. تحلیل این تاثیر، نقش مهمی در فهم ما از نحوه اثرگذاری انواع روایات از جمله داستان ها، فیلم ها، نقدها و ... بر رفتار و خودفهمی ما دارد. درخواهیم یافت که فهم ما از موقعیت و امکان هایی که داریم، نوع کنش ما را شکل می دهند و هر کنش به منزله فهم، گستره ای از امکان ها را می گشاید که در غیرآن صورت بر ما فروبسته می ماند؛ این دور پیوسته ادامه دارد و عالم ما را می گسترد.

کلمات کلیدی:

هیدگر، کنش، روایت، طرح افکنی، خودفهمی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1213705>

